

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: کی تيسا ۵۷۷۹

یک قوم کله شق

ربای لرد جانانان ساکس

A Stiff-Necked People

(Ki Tissa 5779)

به اوج حماسه رسیده ایم. بنی اسرائیل فقط چهل روز پس از بزرگترین انقلاب تاریخ، یک بت ساخته اند: یک گوساله طلایی. خدا آنها را تهدید به نابودی می کند. موسی همچون نمونه کاراکتر یهودی، کسی که با خدا کشتی می گیرد، در برابر هر دو می ایستد. او برای بخشودگی قوم از خدا تقاضا می کند. هنگام فرود از کوه و رویارویی با بنی اسرائیل، لوحه ها را که نماد عهد هستند، می شکنند. او گوساله طلایی را خاکستر می کند، آنها با آب مخلوط می کند و بنی اسرائیل را وادار به نوشیدن آن می کند. به لوی ها دستور مجازات خطاکاران را می دهد. سپس او دوباره از کوه بالارفته، به تلاش برای ترمیم روابط شکسته میان خدا و قوم ادامه می دهد.

خدا تقاضای او را می پذیرد و به موسی می گوید که دو لوح سنگی جدید حکاکی کند. اما در این هنگام موسی درخواست عجیبی مطرح می کند:

و موسی شتابان بر زمین زانو زده، تعظیم کرد و گفت: "اگر نظر لطفی به من داری، خداوندا باشد که میان ما بمانی، زیرا [کی] این قومی کله شق است، و شرارت و گناه ما را ببخش و ما را میراث دار خود بساز." (خروج ۹-۸:۳۴)

دشواره این آیه همان جا بیان شده است. موسی دلیل برای ماندن خداوند همراه با بنی اسرائیل را همان خصوصیتی در بنی اسرائیل می داند که پیشتر به دلیل آن خدا می خواست آنها را به حال خود رها کند:

خداوند به موسی گفت: من این مردمان را دیده ام و آنان قومی کله شق هستند. اینک مرا تنها بگذار، مبادا خشم من علیه آنها برافروخته شود و آنان را نابود سازم. پس از آن، شما را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد. (خروج ۹:۳۲)

موسی چگونه می تواند کله شقی قوم را همچون دلیل باقی ماندن حضور خداوند در میان آنها مطرح کند؟ معنای "زیرا" در عبارت "خداوندا باشد که میان ما بمانی، زیرا این قومی کله شق است"، به چه معنا است؟

تفسیرگران، انواع تفسیرها را ارائه می دهند. راشی، واژه "کی" را به معنای "اگر" می گیرد - اگر آنها کله شق هستند، پس آنها را ببخش"¹

ابن عزرا² و خیزکونی³ آنرا به معنای "هرچند" یا "با وجود" (اف ال پی) می گیرند. اما ابن عزرا این خوانش را پیشنهاد می کند: [می پذیرم که] آنها قومی گردن کَش هستند، پس شرارت و گناه ما را ببخش و ما را میراث دار خود بساز.⁴

¹ Rashi, commentary to Exodus 34:9.

² In his "short" commentary to Exodus 34:9. In his long commentary he quotes this view in the name of R. Yonah ibn Yanah (R. Marinus, 990-1050).

³ Hezekiah ben Manoah

ربای و مفسر تورات فرانسوی در قرن سیزدهم م.

⁴ Ibn Ezra, "long" commentary ad loc.

این‌ها خوانش‌های سراسر هستند، هرچند که به واژه "کی" معناهایی نامعمول می‌دهند. اما یک تفسیر بسیار جالبتر هست که سرنخ آن به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. در قرن بیستم، ربای بیتس‌خاک نیسن‌بام آن تفسیر را بیان کرد. استدلالی که او به موسی نسبت داد، چنین بود: ای خدای متعال به قوم خود نظر لطف داشته باش، زیرا آنچه امروز بزرگترین عیب آنها است، روزی قهرمانانه‌ترین فضیلت آنها خواهد بود. به راستی آنها کله شق‌ترین قوم هستند... اما همان‌گونه که آنها حالا در نافرمانی خود کله شق هستند، روزی در وفاداری خود نیز به همین اندازه کله شق خواهند بود. ملت‌ها از آنها خواهند خواست که اسیمیله بشوند، ولی آنها رد خواهند کرد. دین‌های قدرتمندتر آنان را به سوی تغییر دین سوق خواهند داد، ولی آنها مقاومت خواهند کرد. از تحقیر، پیگرد، حتی شکنجه و مرگ رنج خواهند برد، ولی به عهدی که نیاکان آنها با تو بستند، وفادار خواهند ماند. آنان با خواندن اظهارنامه‌ای معمین، من ایمان دارم، به سوی مرگ خواهند رفت. این قومی است با یک کله شقی شکوهمند که هرچند در حال حاضر موجب سقوط آنها است، ولی زمان‌هایی می‌رسند که اصیل‌ترین نقطه قوت آنها خواهد بود.⁵

این واقعیت که ربای نیسن‌بام در گتو ورشو زیست و از دنیا رفت، به این کلمات او گزندگی صدچندان می‌بخشد.⁶ قرن‌ها قبل، یک میدراش، درست همین نکته را بیان کرد:

سه دسته را نمی‌توان ارباب کرد: سگ در میان وحوش، خروس در میان پرندگان، و اسرائیل در میان ملت‌ها. ربی اسحق بن ردیفه از قول ربی امی گفت: شاید فکر کنی که این یک صفت منفی است، ولی در واقع قابل ستایش است، زیرا چنین معنا می‌دهد: یا یهودی بمان، یا آماده به دار آویخته شدن.⁷

⁵ این بازنوشت تفسیری بود که به ربی ایتس‌خاک نیسن‌بام نسبت داده شده در نسخه:

Aaron Yaakov Greenberg, ed., *Iturei Torah, Shemot* (Tel Aviv, 1976), 269-70.

⁶ For R. Nissenbaum's remarkable speech in the Warsaw Ghetto, see Emil Fackenheim, *To Mend the World* (New York: Schocken, 1982), 223.

⁷ Beitza 25b; Shemot Raba 42:9.

ربی امی می گوید که یهودیان از این نظر کله شق به شمار می رفتند که آماده مردن برای ایمان خود بودند. چنان که گرشونید (رالباگ) در قرن چهاردهم تشریح کرد، یک مردم کله شق ممکن است در پذیرش یک ایمان، کند باشند، اما به محض آنکه چنین کردند، دیگر ایمان خود را وانمی نهند.⁸

ما یک چشمه از این سرسختی خارق العاده را در رویدادی می یابیم که به نقل از یوسفوس از نخستین گزارش های نافرمانی مدنی خشونت پرهیز توده های مردم است. این رویداد در دوران فرمانروایی امپراتور روم کالیگولا (۴۱-۳۷ م) اتفاق افتاد. او دستور به نصب مجسمه خودش در صحن معبد اورشلیم داده، فرمانده نظامی پترونیوس را برای انجام این ماموریت حتی در صورت لزوم با خشونت، فرستاده بود. یوسفوس رویارویی پترونیوس با جمعیت یهودی در پتولمس (اکره) را چنین روایت می کند:

ده هزار یهودی در پتولمس نزد پترونیوس رفتند تا عریضه های خود را تسلیم او کرده، درخواست نمایند که قانون نیاکان آنها را زیر پا نگذارند. آنان گفتند: "اما اگر یکسره عزم جزم کرده اید که مجسمه را بیاورید و نصب کنید، پس باید ابتدا ما را بکشید و سپس قصد خود را انجام دهید. زیرا تا زنده هستیم نمی توانیم اجازه چنین کار هایی را بدهیم که در قانون ما ممنوع هستند..."

سپس پترونیوس در تیریوس با آنان چنین سخن گفت: "پس شما اعلام جنگ به سزار می کنید، بدون در نظر گرفتن تدارکات عظیم او برای جنگ و ضعف خودتان؟" آنها پاسخ دادند: ما به هیچ وجه با سزار جنگ نخواهیم کرد، اما پیش از آنکه جلوی چشمانمان قانون ما پایمال شود، می میریم." سپس آنها بر روی زمین خوابیده، گریبان خود را گشوده، گفتند که آماده کشتار هستند... به این ترتیب

⁸ Ralbag, commentary to Exodus 34:9.

سرسختانه بر این تصمیم ایستادند که خودخواسته بمیرند، ولی برپا شدن مجسمه را نپسندند.⁹

پترونیوس در برابر این دفاع قهرمانانه با چنین گستردگی، منصرف شده، به کالیگولا نامه نوشت تا او را متقاعد سازد. او به نقل از یوسفوس چنین توصیه کرد که این جمعیت ده هزار نفری را به شورش وادار نکند؛ و اگر او این مردان را کشتار می کرد، تا ابد مورد نفرین همگان قرار می گرفت."

فقط همین رویداد نبود. متون تلمودی در کنار زمان نگارهای قرون وسطی پر از داستان های شهادت طلبی یهودیانی است که مرگ را بر تغییر دین ترجیح دادند. در واقع، خود مفهوم کیدوش هشتم، تقدیس نام خداوند، در ادبیات هلنی (یونانی) چنین معنا شد: ترجیح مردن بر سرپیچی از ایمان. جلسه هخامیم در لود (لیدا) در قرن دوم م.، که قوانین شهید شدن را تدوین کرد (از جمله سه گناهی که فرد باید مرگ را بر انجام آنها ترجیح دهد)¹⁰ تلاشی بود که این پدیده را محدود سازد، نه این که آنرا تشویق کند. یکی از همه این رویدادهای پر شمار، از نظر جسارت ایمانی، برجسته تر است. این رویداد، توسط تاریخ نگاری به نام شلومو ابن ورگا (قرن پانزدهم و شانزدهم) در مورد اخراج از اسپانیا گزارش شده است:

یکی از کشتی ها آلوده به طاعون شد و ناخدای کشتی سرنشینان را در زمینی نامسکون رها کرد... یک یهودی میان آنها بود همراه همسر و دو فرزندش که تلاش در زنده ماندن داشتند... زن بیحال شد و درگذشت... مرد با دو فرزندش بود تا آنکه

⁹ Josephus Antiquities of the Jews, bk. 18, chap. 8. Cited in Milton Konvitz, "Conscience and Civil Disobedience in the Jewish Tradition," in Contemporary Jewish Ethics, ed. Menachem Kellner (New York: Sanhedrin Press, 1978), 242-43.

¹⁰ Sanhedrin 74a.

این سه گناه عبارتند از: قتل، بت پرستی زنی با محارم. در چندین مقطع از تاریخ یهود شهید شدن مسئله ای پیچیده شد. یهودیان خود را میان دو ایده ال مردد می دیدند. از یک سو قربانی کردن خود بالاترین شکل کیدوش هشتم یا تقدیس نام خداوند بود. از سوی دیگر، یهودیت ترجیحی آشکار برای زندگی در برابر مرگ قائل بود.

هر دو همگی از گرسنگی از هوش رفتند. وقتی مرد به هوش آمد، دریافت که دو فرزندش از گرسنگی مرده بودند. او با اندوهی جانکاه برخاست و گفت: ای خدای عالم هستی، خیلی تلاش می‌کنی ببینی آیا من از ایمان خود دست برمی‌دارم یا نه. اما با اطمینان بدان که - حتی برخلاف خواست آسمان‌ها - من یک یهودی هستم و یک یهودی باقی خواهم ماند. نه آنچه بر سر من آورده‌ای و نه آنچه ممکن است بعداً مرا دچار سازی، هیچ تاثیری نخواهد داشت.¹¹

چنین ایمانی انسان را تکان می‌دهد - یک چنین ایمان سرسختانه‌ای. بی‌تردید همین ایده، الهام بخش یک قطعۀ مشهور تلمود در مورد اعطای تورات در کوه سینا بود:

و آنها پای کوه ایستادند: ربی اودیم بن خاما بن خاسا گفت: این به ما می‌آموزاند که خداوند متعال کوه را مانند یک بشکه برعکس کرد و گفت: "اگر به تورا عمل کنید خوب خواهد بود، و گرنه اینجا دفن گاه شما خواهد بود." راوا گفت با این حال آنها تورا را در زمان سلطنت اخشورش [پادشاه هخامنشی] دوباره پذیرفتند، زیرا آمده است که: "یهودیان تصدیق کرده، بر خود پذیرفتند،" یعنی، آنها تصدیق کردند که بیشتر پذیرفته بودند.¹²

معنای این متن عجیب‌گویی چنین است: در کوه سینا قوم یهود هیچ‌گزینه آزادی نداشت جز پذیرفتن عهد. تازه از مصر نجات یافته بودند. خدا برای آنها دریا را شکافته بود؛ برای آنان از آسمان مان فرستاده و از صخره آب جاری کرده بود. پذیرش یک عهد در چنان شرایطی را نمی‌توان آزادانه دانست. آزمون واقعی ایمان زمانی رخ داد که خدا پنهان بود. نقل قول راوا از کتاب استر بجا و دقیق است. در مقیلاهی استر نام خدا وجود ندارد. ربی‌ها مطرح کرده‌اند که نام استر کنایه‌ای است به عبارت هستر استیر پانی [*haster astir et panai*]، به معنای "من

¹¹ In Nahum Glatzer, *A Jewish Reader* (New York: Schocken, 1975), 204-5.

این بخش الهام بخش داستان مشهور زوی کولیتز از هالاکاست بود درباره‌ی مردی که به نام خدا در برابر خدا ایستاد. نام داستان یاکوب راکوور با خدا سخن می‌گوید. (New York: Vintage, 2000)

¹² Shabbat 88a. See essay "Mount Sinai and the Birth of Freedom," p. 149.

حتما چهره ام را پنهان خواهم کرد." کتاب استر، روایتگر اولین حکم حکومتی برای نسل کشی یهودیان است. این که یهودیان، در چنین شرایطی یهودی ماندند، اثبات آن است که آنها به راستی با عهد، تجدید پیمان کرده بودند. آنها که در بیشترین طول دوران توراتی، بی ایمان بودند، پس از آن دیگر در ایمان خود سرسخت شدند. آنها رودرروی حضور خدا به او نافرمانی کردند. چون با غیبت او رو به رو شدند، به او وفادار ماندند. این ناسازه قوم کله شق است.

اتفاقی نیست که روایت کتاب استر با این کلمات آغاز می شود: "و مردخای تعظیم نکرد" (استر ۱:۳). خودداری او از فرمانبرداری از هامان، داستان را به حرکت در می آورد. مردخای نیز سرسخت است. زیرا اگر کله شق باشید، انجام یک کار برای شما دشوار است: تعظیم کردن. در زمان هایی، یهودیان، تعظیم به خداوند را دشوار یافتند - اما آنها قطعا هرگز نخواستند به چیز دیگری تعظیم کنند. از این رو است که تنها یهودیان در میان ملت های دیگری که وارد میدان تاریخ شده اند - حتی در تبعید، پراکندگی و هر جا که اقلیت بودند - نه در میان فرهنگ غالب انحلال یافتند و نه به دین اکثریت درآمدند.

موسی گفت: ببخش آنان را که قومی کله شق هستند، زیرا زمان هایی فراخواهد رسید که همان کله شقی، نه یک سقوط فجیع، بلکه مقاومتی اصیل برای وفاداری خواهد بود. و چنین نیز شد.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian